



شاپور رواسانی:

سیاست خارجی تابعی از شیوه تولید همان کشور است

مقدمه

سیاست خارجی و روابط خارجی هر جامعه و کشور اعم از سیاست ها و روابط در زمینه های اقتصادی، فرهنگی، نظامی، و یا سیاسی با سایر کشورها و جوامع تابعی از شیوه تولید مسلط آن کشور در میان دوره تاریخی است و تا زمانی که شیوه تولید تغییر نکرده و نظام اقتصادی دیگری بر همان کشور و جامعه مسلط نگردد و احتیاجات اقتصادی اش تغییر نکنند. اهداف اساسی آن کشور و جامعه هم در سیاست خارجی اعم از فرهنگی، نظامی، اقتصادی تغییر نخواهد کرد و این زمینه ها یک وحدت را می سازند.

غارت اقتصادی کشورهای طعمه (مستعمرات) است.

در بررسی های کلاسیک درباره شیوه های تولید در جوامع جهانی، تاکنون سخن از شیوه های تولید، آسیائی، برده داری، فئودالیسم، سرمایه داری و سوسیالیسم و مستمراتی به میان آمده است، اما به نظر می رسد با توجه به تنیدگی و ادغام روابط اقتصادی جوامع جهانی با یکدیگر باید از شیوه تولید امپریالیستی که حکم جوامع جهانی را در بر می گیرد سخن گفت و پذیرفت که دیگر تعاریف کلاسیک قدیمی، نمی توانند ساختار اقتصاد جهانی را توضیح دهند.

مختصراً یاد آور می شود که شیوه تولید امپریالیستی دو وجه سرمایه داری و مستمراتی را در خود ادغام کرده است بصورتی که توجیه ساختار وجه سرمایه داری آن بدون توضیح و شناخت وجه مستمراتی و توضیح وجه مستمراتی آن بدون شناخت ساختار سرمایه داری و

شناخت دقیق ماهیت، اهداف استراتژی، تاکتیک برنامه ها و شیوه های هر کشور در سیاست و روابط خارجی در همه زمینه ها، شیوه تولید مسلط در میان کشور و جامعه را شناخت تا بتوان به علل تغییرات در اعمال شیوه ها و نوسانات جدید در سیاست در روابط خارجی همان کشور پی برد.

۱- در توضیح چگونگی و شناخت ماهیت و اهداف روابط سیاست خارجی کشور های سرمایه داری امپریالیستی با مستمرات و کشورهای عقب نگه داشته شده با توجه به تاریخ این نوع سیستم ها می توان دو شیوه عهده را تشخیص داد - دو شیوه شناخته شده:

۱- تجاوز، جنگ، کودتاهای نظامی، سلطه نظامی (خشونت) برای سلطه بر منافع و دارایی ها
۲- نفوذ اقتصادی، فرهنگی، سیاسی (نفوذ و تامل صلح جویانه) برای سلطه بر منابع و دارایی ها هدف از بکار بردن هر دو شیوه،

ممکن است بر اثر وقوع تغییرات در شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی در سایر کشورها و در سطح جامعه جهانی، شیوه عمل و چگونگی بیان و اعمال نظریات کشور یا در همه زمینه ها دچار تغییر و یا نوسانات گردند اما به علت وابستگی و تابعیت درونی و ساختاری همه این شیوه ها به چگونگی شیوه تولید مسلط و احتیاجات آن برای ادامه حیات در اطراف اساسی و نهایی سیاست خارجی کشور ها نمی تواند تغییری اساسی ایجاد شود.

در یک بررسی تاریخی، بخصوص درباره سیاست خارجی کشورهای سرمایه داری در قرون اخیر می توان بخوبی درباره مستند رابطه مستقیم و بلاواسطه سیاست خارجی و روابط خارجی این کشور ها را با احتیاجات شیوه تولید شده جوامع نشان داد. با توجه به این نکات اساسی و بدیهی، امروزه نیز باید برای





داری یاد کرد .
تا زمانی که حرکت مواد خام و معدنی، سود، نیروی کار، از سوی مستعمرات بسوی کشورهای سرمایه داری جریان داشته و منابع طبیعی و بازار یابی مستعمرات در اختیار دول استعماری قرار بگیرد و طبقه حاکم پیوسته به استعمار بتواند در این جوامع « آرامش » و سلطه خارجی را حفظ کند »
روا بط کشورهای سرمایه داری (امپریالیستی) با این جوامع «دوستانه» بوده، ظاهراً حقوق بشر رعایت می شود و دموکراسی برقرار است .

اما اگر بر اثر قیام مردم، سازمان دولت از اختیار طبقه پیوسته به استعمار خارج و در اختیار مردم قرار گیرد، استقلال اقتصادی، رفع بلای فقر و استقرار حقوق انسانی با حاکمیت به میان آید، دشمن از موضع ترس چهره خشن خود را نشان می دهد و تهدیدها آغاز می گردند .

امپریالیسم در دوران ما اگر مطمئن شود که منافع اقتصادی اش در جامعه و کشوری حفظ شده و سلطه اقتصادیش ادامه دارد با تغییرات سیاسی و فرهنگی و استقلال سیاسی ظاهری جوامع مستعمراتی مخالفتی ندارد و چه بسا برای فریب توده با حفظ مستشاران خود در این نواحی با این ظواهر موافقت و جانبداری هم می کند.

آنچه که امپریالیسم دوران ما بشدت و با تمام قوا برای حفظ بقاء و موجودیت و حیات خود با آن مخالف است و با تمام وسائل تلاش می کند این آن شود، تعبیر شیوه تولید در مستعمرات و کشورهای عقب نگه داشته شده است. زیرا در این صورت جریان صدور مواد خام، معدنی، نیروی

ارزان (ساده و پیچیده) به اشکال مختلف، وارد کننده کالاهای صنعتی، اسلحه، و سرمایه های خارجی (خروج سود) فرار سرمایه اند و اختلاف طبقاتی و افزایش فقر از مشخصات این جوامع است.

باید به این نکته توجه کرد در مستمرات و در اغلب کشورهای عقب نگذاشته شده، طبقه وابسته به استعمار (اقلیت حاکم) مقررات حکومت و در بسیاری از موارد دولت را در دست، شریک و خادم اول سرمایه داری استعماری است.

باید به این حقیقت تاریخی معترف بود، که اصولاً رشد شیوه تولید سرمایه داری بدون، غارت مستمرات با همکاری طبقه پیوسته به استعمار و با بکار بردن دو شیوه جنگ و صلح، خشونت و دوستی ریاکارانه، ممکن نبوده است .

درباره چگونگی روابط وجه سرمایه داری با وجه مستمراتی شیوه تولید امپریالیستی می توان از رفتار دوگانه امپریالیسم سرمایه

لذا روابط متقابل و ترکیبی این دو ممکن نیست.

درباره روابط این دو بخش و شناخت امپریالیسم در دوران ها یادآوری چیز نکته ضرور است :

- بخش سرمایه داری شیوه تولید امپریالیستی که کشورهای سرمایه داری را در برمی گیرد وارد کننده، مواد خام، معدنی (به مقدار فراوان و ارزان) نیروی کار ارزان (ساده و پیچیده) به اشکال مختلف و صادر کننده کالاهای صنعتی، اسلحه، و سرمایه گذاری در مستمرات برای (جلب سود) می باشند. انباشت سرمایه و ثروت در این کشورها صورت می گیرد . برای ادامه این وضع هم از ابزار جنگ و تجاوز و کشتار و هم از نفوذ صلح جویانه استفاده شده و می شود .

- بخش مستمراتی (۲) کشورهای عقب نگه داشته شده و مستمرات را در بر می گیرد صادر کننده مواد خام و معدنی (به مقدار فراوان و ارزان) نیروی کار

شده»، ایرانی که در آن شیوه تولید مسلط مستمراتی تغییر یافته است، موجب اصلی خصومت کشورهای امپریالیستی از همان اواسط قرن نوزدهم تاکنون با جامعه ماست. علت اصلی کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر مصدق طرح برنامه و اقتصاد بدون نفت با تلاش برای تغییر شیوه تولید مسلط در ایران بود. با اجرای چنین برنامه ای دیگر منابع نفت و گاز ایران در اختیار دول استعماری قرار نمی گرفت و ایران از حالت کشور «وارد کننده» خارج می شد و بصورت یک کشور صنعتی می توانست ادامه حیات دهد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه فرهنگ و سیاست تغییرات عمده ای رخ داد، اما شیوه تولید مسلط تغییر نکرد این امر باعث شده که راه برای بازگشت اقتصادی امپریالیسم سرمایه داری

را هم زمان نمایش دهد، درحالی که پاره ای از سران کشورهای سرمایه داری از جنگ، تهدیدهای نظامی سخن می گویند رهبران و سیاستمداران کشورهای شریک با چهره خندان از مذاکرات، تفاهم، تعامل و سابقه دوستی یاد می کنند، اما با دقت روشن می گردد که هدف یکی است و این دو با هم شریک اند و از نظر اقتصادی یک وحدت را می سازند (یک مغز و یک میوه).

امپریالیسم سرمایه داری در این شیوه های نفوذ دستیار و دست نشانه داخلی هم دارد. (طبقه پیوسته به استعمار در مستعمرات) در توضیح رفتار امپریالیسم سرمایه داری با کشورها می توان به سابقه روابط اقتصادی و فرهنگی، سیاسی و نظامی آن با ایران از اواسط قرن نوزدهم میلادی اشاره نمود:

- وحشت از ایران «صنعتی

کار ارزان، سود و فرار سرمایه از این سرزمین به سوی کشورهای سرمایه داری ادامه نخواهد یافت و این کشور با بازار آزاد کالا و سرمایه داری خارجی نخواهند ماند.

به این سبب امپریالیسم سرمایه داری تا زمانی که تغییرات در مستعمرات در حد تغییرات سیاسی و تاحدودی فرهنگی (وابسته به فرهنگ غرب) جریان داشته باشد، قیافه دوستانه اش را حفظ می کند، اما در این حال تلاش می کند از این تجارت خارجی و سرمایه گذاری خارجی مواضع از دست رفته سیاسی و فرهنگی اش را مجدداً تصاحب کند.

اما اگر دولت و یا نیروهای اجتماعی باتلاش برای خنثی کردن بخواهند به تدریج موجبات تغییر شیوه تولید را فراهم کنند و از شیوه تولید مستعمراتی خارج شوند، امپریالیسم چهره زشت و تهدیدکننده خود را نشان می دهد. در این ماجرا، احزاب چپ و راست و میانه جوامع سرمایه داری به تکاپو می افتند. ایجاد خصومت پای دینی، میهنی و قومی از جمله ابزارهای سلطه می باشند. اما اگر با وجود همه توطئه ها امپریالیسم در وصول به اهداف خود موفق نشود، این بار چهره دوستانه را نشان داده از مذاکرات، فراموش کردن گذشته ها، تعامل و احترام متقابل سخن می گوید و در همان حال به توسعه تجارت خارجی، سرمایه گذاری خارجی با یاری بخش خصوصی (تجاری وابسته به کمپانی های خارجی)، این کشورها روی می آورد و تلاش می کند از طرفی سازمان تجارت جهانی اقتصاد این کشورها را در اختیار بگیرد.

در پاره ای از موارد امپریالیسم سرمایه داری می تواند دو چهره اش



مسدود نشود .

متاسفانه در اصل ۴۴ قانون اساسی بخش مربوط به بازرگانی خارجی از همان ابتدا اجرا نشد و بازرگانی خارجی با وجود اینکه در این اصل جزء بخش دولتی ذکر شده بود در اختیار بخش خصوصی (بازار وابسته به کمپانی های خارجی) باقی ماند و باین علت همه برنامه های اقتصادی دیگر تحت تاثیر این حرکت قرار گرفت و دچار شکست شد و در نتیجه شیوه تولید مسلط در ایران تغییر نکرد . در نهایت جامعه ما نتوانست بسوی صنعتی شدن حرکت کند و موجبات تشکیل « طبقه جدید» در ایران فراهم گردید و متاسفانه بند ۸ از اصل چهل و سوم نیز در بسیاری از موارد به فراموشی سپرده شد و راه برای (بند ۸ جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور) ورود کالا و سرمایه خارجی



هموار گشت.

در ماه های اخیر در زمینه روابط ایالات متحده امریکا بطور کلی کشورهای سرمایه داری امپریالیستی با ایران سخن از تغییر به میان آمده است و گروهی نیز در جامعه ما از تعامل جانبداری می کنند، اما به این امر توجه نمی شود که چنانکه گفته شد سیاست خارجی امریکا مانند هر کشور دیگر تابعی از شیوه تولید مسلط در این کشور است و تا شیوه تولید تغییر نکند سیاست خارجی این کشور در همه زمینه های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نمی تواند تغییر کند و برای وصول به اهداف این شیوه تولید به تناسب زمان و مکان امریکا و شرکایش از ابزار جنگ و یا صلح استفاده خواهند کرد .

بررسی تاریخ روابط امریکا و اروپا با ایران اثبات می کند که این کشورها در چارچوب حفظ شیوه تولید مسلط و برای رفع احتیاجات آن، با صنعتی شدن ایران (بطور کلی مستعمرات و کشورهای عقب نگه داشته شده در افریقا، امریکای مرکزی و جنوبی) مخالف اند منابع، مواد خام (در مورد ایران نفت و گاز ارزان و فراوان) بازار فروش کالاهایی خود و سرمایه گذاری (جلب سود، فرار سرمایه) را از دست ندهند و تعامل و دوستی آنان با جامعه ما زمانی صورت خواهد گرفت که شیوه تولید مستمراتی، در ایران با توسعه نفوذ و قدرت سرمایه های خارجی، واگذاری منابع اقتصادی کشور به بخش اقتصادی وابسته به شرکت های فراملیتی، ورود ایران به بازارهای تجارت جهانی، تحکیم و تثبیت شود و ایران هم چنان صادر کننده نفت، گاز و مصرف کننده کالاهای صنعتی کشورهای سرمایه داری امپریالیستی با فرار

سرمایه (به اشکال مختلف) و فرار مغزها ادامه یابد و ایران صنعتی نشود و تا با حفظ این روند ثروت و رفاه و اشتغال نصیب کشورهای سرمایه داری و فقر و بیکاری سهم ما باقی بماند. در چنین حالتی ما با چهره خندان و رفتار دوستانه سران کشورهای سرمایه داری امپریالیستی روبرو خواهیم شد. در این صورت آنان به مقاصد خود دست یافته اند، اما اگر ایران بسوی صنعتی شدن حرکت کند، از نگاه کشورهای سرمایه داری استعماری گناهی نابخشودنی و خیانتی عظیم مرتکب شده و باید تنبیه شود.

تلاش می کنم بالشتکی سازان تنظیم بازرگان خارجی بر اساس منابع ملی و ضرورت های اجتماعی و ساختار اقتصادی کشور با جلوگیری از فرار سرمایه در جهت صنعتی کردن ایران (ایجاد اشتغال، افزایش تولید) گام برداریم، زیرا تا زمانی که بازرگانی خارجی در صورت سازمان یافته تنظیم نشود، هیچ یک از برنامه های اقتصادی در جهت صنعتی شدن ایران موفق نخواهد شد و جامعه ما فقیر باقی خواهد ماند .

۱- درباره شیوه تولید امپریالیستی

دکتر شاپوررواسانی، اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره

مرداد - شهریور ۱۳۸۷ ص ۲۵۱-۲۵۲

۲- درباره شیوه تولید مستعمراتی

پرفسور شاپور رواسانی، اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره

۱۱۴-۱۱۳۷

پرفسور رواسانی، اسفند ۱۳۷۵ کتاب مفاهیم اجتماعی در جوامع مستعمراتی

انتشارات امیر کبیر تهران ۱۳۸۶